

نخستین “تفسیر حقوقی” رساله “یک کلمه” در فصلی از کتاب “نظریه حکومت قانون در ایران” سید جواد طباطبایی

کوششی در توضیح برخی دیدگاه های سید جواد طباطبایی با هدف طرح نظرات او در باره رساله “یک کلمه” به عنوان “نخستین رساله در اصلاح نظام حقوقی” در ایران. دیدگاه طباطبایی درباره مشروطیت و پژوهش او در نوشته های دوران قاجار در تبیین مبانی اندیشه مشروطه خواهی در ایران بخشی مهم از نظرات کلی تر او در حوزه اندیشه سیاسی است.

قسمت اول

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2012/11/2012-11-17_a.mp3]

قسمت دوم

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2012/11/2012-11-17_b.mp3]

رساله “یک کلمه” از نگاه “مشروطه ایرانی” ماشالله آجودانی

اگر چه کوشش مستشارالدوله برای سازش و مصالحه ای میان بنیان های اندیشه سنت و اندیشه تجدد چیزی جز التقاطی میان دو اندیشه قدم و جدید نبود و آن هم ریشه در عدم شناخت مضاعف “روشنفکران ایران” به “مبانی اندیشه تجدد” و نظام سنت و دیانت داشت؛ نمیتوان پذیرفت رساله حقوقی “یک کلمه” آنگونه که آجودانی ارزیابی کرده “نخستین تلاش جدی [برای] تقلیل اساسی ترین مفاهیم جدید” بود. آجودانی با اشاره به نامه مستشارالدوله به آخوندزاده که نوشته بود: “من هم به کار بزرگی که منافع دولتی و ملتی آن زیادتر از وضع الف باست مشغول هستم” جان کلام خود را در باره رساله “یک کلمه” بیان می کند و می نویسد: “منظور او از کار بزرگ همان گونه که بیشتر توضیح داده ام همین تطبیق (دادن اندیشه آزادی خواهی با شرع بود.” (ص ۲۱۶)

میرزا یوسف خان در همان رساله روح اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه را که در سال 1789 و در زمان سلطنت لویی شانزدهم توسط مجلس ملی فرانسه تدوین و تصویب گشته بود " روح و جان قوانین فرانسه " فهمیده بود و آن را " اصول کبیره و اساسیه حقوق عامه فرانسه " می دانست ؛ وی هم چنین متذکر گردیده بود که قوانین فرانسه را نباید نسخه برداری کرد و چنین بر می آید آنگونه که روسو و منتسکیو گفته بودند میرزا یوسف نیز تاحدی به این نکته ظریف آگاهی یافته بود که قوانین هر کشوری بر مبنای روحيات اخلاقیات و دیانت هر ملتی تدوین و تغییر می یابند به بیان دیگر قانون هر کشوری را برای کشور دیگر نمی توان رونویسی کرد و قانون هر کشوری قانون خاص آن کشور است. مستشارالدوله با تدوین رساله " یک کلمه " توانست با ایجاد رخنه ای در فهم نظام سنت و فراهم آوردن زمینه برای تدوین مجموعه ای از مفاهیم حقوقی که در تقابل با مفاهیم " نظام حقوق شرع " بود راهی به سوی " نظام حقوق عرفی جدید " بگشاید؛ و آن عرصه ای بود که مشروطیت ایران بر شالوده آن می توانست پدیدار گردد یعنی نظام حقوقی تازه که در قالب قانون اساسی و مجموعه ی بزرگی از قانون های جدید عینیت یافت و بدین طریق مشروطه ایرانی علی رغم آنکه در تنگنای مضاعف " قانون شرع " قرار داشت متنا سب با زمان و امکانات و ظرفیت خود حکومت خودکامه و بدون قانون را مشروط به برقراری قانون کرد . پس اگر هر مشروطه ای مشروطه خاص همان کشور است و " مشروطه ایرانی " حاصل جنبش مشروطه خواهی ایرانیان در عمل و " نظر " بود؛ آن مشروطه با مضمون مفهوم " مشروطیت " در تاریخ اندیشه سیاسی در اروپا نه تنها بیگانه نبود که سازگاری داشت

آجودانی به نا آشنایی و بیگانگی روشنفکران با " مفاهیم جدید در عصر قاجار " اشاره می کند و می نویسد : آنگاه که " انسان ایرانی " آن مفاهیم را " با درک و شناخت و برداشت تاریخی خود با تجربه زبانی خود . تفسیر تعبیر و بازسازی می کرد " معانی آن مفاهیم " تقلیل " می یافت

همان گونه که گفته شد " مفهوم آزادی " در آغاز تأسیس مشروطیت ایران با معنای آزادی در دموکراسی های جدید فاصله ای زیاد داشت اما هر گامی در مسیر برقراری حکومت قانون و گسترش و تحکیم نظام حقوقی جدید می توانست شالوده نظام آزادی را تقویت کند دلیل این که در ایران چنین تحولی صورت نگرفت و مشروطیت ایران نتوانست به سطح نظامی از آزادی در دموکراسی های جدید فراروید " ایرانی " بودن مشروطه نبود. توضیح شکست مشروطه ایرانی لطیفه ای است که با نظریه هایی از نوع ملت « پدید آمد و چون جامعه مدنی و نهادهای آن واجد » (civil society) ... با رشد جامعه مدنی کارآیی لازم بود مفهوم « ملت » و « دولت - ملت » هم بر اساس مفاهیم دموکراسی وهم بر اساس مفهوم « استقلال » شکل می گرفت. " امکان پذیر نیست. (مشروطه ایرانی صفحه ۴۳۴ ماشاءالله آجودانی). بیان تقدم تاریخی " جامعه مدنی " بر " ملت " اشتباه فاحشی است در مقدمات مباحث اندیشه سیاسی. آجودانی کوشیده بر اساس " فرضیه " خود که در عنوان چاپ نخست کتاب " مشروطه ایرانی و پیش زمینه های نظریه « ولایت فقیه » " نمایان می گرداند اندیشه مشروطیت و جنبش مشروطه خواهی ایران را به عنوان " پیش زمینه " ولایت فقیه معرفی کند

باید به این نکته مهم نیز اشاره کرد که بدون آشنایی با تاریخ اندیشه مسیحی و نقشی که آن در تحولات اندیشه سیاسی در دنیای غرب داشته است و بدون آشنایی با " نظام اندیشه سنت قدمایی " و تحولات آن در ایران و بدون آگاهی یافتن از تمایزات بنیادین میان مسیحیت که " دیانت ایمان " بود و دیانت اسلام که " دیانت ناظر بر شریعت " بود نمی توان " مشروطه ایرانی " را با مشروطه دیگری که مضمون مفاهیم

آن مبنا قرار گرفته مقایسه کرد و یا از ما هیم آن سود جست. آلودانی نه از مضمون مفاهیم مشروطیت غرب به وضوح سخن میگوید و نه به تاریخ مشروطیت در دنیای مسیحی غرب و نه به تحولات مفهوم " مشروطیت " طی سده های طولانی توجهی دارد وی بدون آنکه ضابطه سنجش خود را توضیح دهد علت نا آشنایی و " تقلیل دادن مفاهیم جدید در عصر قاجار " را که با آن نمی توان مخالفت کرد در توضیحی سهل یافته و آن را در " تطبیق دادن های اصول و موازین مشروطیت با اصول و قوانین شرع " دانسته است.

هدف اساسی و نخستین جنبش مشروطه خواهی ایران برقراری و تأسیس نظامی مبتنی بر " حکومت قانون " بود. یعنی مشروط کردن حکومت خود کامه و بی قانون به حکومتی مبتنی بر نظامی از قانون ها

پیش از اعلام مشروطیت اگر بتوان این عبارت را بکار برد " نظام حقوقی " حاکم بر ایران مبتنی بر اندیشه سنت قدیم و یکی از عناصر اساسی آن نظام اندیشه " قانون شرع " بود که در بیرون سازمان حکومتی یعنی خارج از سازمانی واحد و سراسری عمل میکرد. " محکمه های شرع " در بیرون وزارت " عدلیه " احکامی ضد و نقیض و ناسخ و منسوخ صادر می کردند و هر چه و مرج حاکم بر " محکمه های عرف " حکایت از آن داشت که این " محکمه های عرف " از همان روش و " منطق " پیروی می کردند. در خلأ نظم حقوقی سراسری و مبتنی بر کتاب واحد قانون (در عمل و نظر) هر چه و مرج و بی قانونی حاکم بود.

با پیروزی جنبش مشروطه خواهی ایران و ایجاد نظم حقوقی مبتنی بر کتاب قانون (قانون اساسی و مجموعه های جدیدی از قوانین) که از جمله " امر مرافعه " (امر قضا) را از " محاکم شرع " به وزارت عدلیه انتقال داد تغییر مهمی در تاریخ " نظام حقوقی ایران " صورت گرفت که معنایی به غیر از تغییر و تبدیل " احکام شرع " به یک نظام حقوقی تازه (جدید) نداشت. این تحول بزرگ و حقوقی در ایران بی سابقه و جدید بود. شرایط نوین ایجاد شده امکان تدوین قانون های جدید بیشتری را می توانست فراهم کند.

مفهوم " آزادی " در زمان اعلام مشروطیت بدون توجه به تحولات حقوقی مذکور قابل توضیح و فهم نیست. هر گام جدید که منجر به پیشرفتی در حوزه حقوقی و قانونی می شد می توانست زمینه و شرایط آزادی های بیشتری فراهم آورد معنای این سخن آنست که مفهوم " آزادی " در طلوع پیروزی مشروطیت با معنای " آزادی " در دموکراسی های جدید تفاوت های اساسی داشت

مفهوم " آزادی " در تحولات مشروطیت ایران و در فردای پیروزی آن در روند برقراری " حکومت قانون " و ایجاد نظم حقوقی جدید قابل فهم است به عبارت دیگر نباید از مفهوم آزادی در فردای اعلام مشروطیت همان معنایی مستفاد شود که در دموکراسی های جدید معنا می دهد؛ شرایط ضروری تأسیس نظامی از آزادی ها تشکیل نهادهای قانونی و حقوقی بود؛ به موازات ایجاد و تحکیم نهادهای حقوقی و قانونی شالوده آزادی میتوانست استوارتر گردد و نظامی از آزادی ها همانند آنچه در دموکراسی های جدید وجود دارد، ایجاد گردد، امری که یکباره نمی توانست رخ دهد

میرزا یوسف خان مستشارالدوله در زمانی که به تدوین رساله " یک کلمه " مشغول بود در یافته بود که قدم در " وادی " می گذارد سخت دشوار؛ او با امکانات محدود زمان خود کوشید راهی برای تبدیل

“قانون شرع” به نظام حقوقی تازه (جدید) بگشاید، میرزا یوسف در رساله “یک کلمه” نوشت: “یک کلمه” کتاب قانون است که به قبول دولت و ملت نوشته شده به امور دنیویه تعلق دارد معانی و مقاصدش به سهولت مفهوم و شاه و گدا و رعیت و لشکری در بند آن مقید هستند؛ اما در کتاب شرعی مسلمانان مصالح دنیا (امور دنیویه) به امور اخرویة چون نماز و عبادات مخلوط و ممزوج است و برای سیاست عامه ضرر عظیم دارد . وی همچنین نوشته بود: اگر ما تجسس و تفحص در اجزای کتاب قانون فرانسه بکنیم پرگویی بی منتها و کار بیهوده و بی حاصل است زیرا که همه قوانین دنیویه برای زمان و مکان و حال است ... و قابل تغییر

قسمت اول

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2012/11/2012-11-03_a.mp3]

قسمت دوم

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2012/11/2012-11-03_b.mp3]